



110899



دانشگاه تهران
دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه حقوق عمومی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی

حقوق عمومی در دوران صفویه

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد جواد جاوید

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر فیروز اصلانی

پژوهشگر:

الهه مرندی

۱۳۸۸ / ۳ / ۳

مجموعه اطلاعات مدرک علمی بزرگ
تمت به دراز

بهمن ماه ۱۳۸۷

۱۱۳۵۹۹



اداره کل تحصیلات تکمیلی

جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب *(الهریزکی)*. متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اوله خیابان لهر وازی - پلاک ۵ - کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸
فکس : ۶۸۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : الهه مرندی

گرایش:

در رشته : حقوق عمومی

با عنوان : حقوق عمومی در دوران صفویه

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۱۱/۷

به عدد	به حروف
۱۹۷۵	نوزده و هفتاد و پنج

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

با درجه

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد)	دکتر محمدجواد جاوید	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر فیروز اصلانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر ولی رستمی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

چکیده:

فقه سیاسی شیعه در طول تاریخ با فراز و نشیب های بسیاری روبرو بوده است. در میان این ادوار عصر صفوی از دوران هایی است که فقه سیاسی شیعه، رویکرد نوینی را به خود می گیرد و در فقه عمومی شیعه تبلور و درخشش خاصی پیدا می کند. چرا که تا این زمان بسیاری از مسائل مربوط به حقوق عمومی در فقه شیعه به دلیل نبود شرایط لازم سیاسی - اجتماعی و حاکم بودن سلاطین جور و غیر شیعه، مجالی برای مطرح شدن پیدا نکرده بود و بسیاری از مسائل مطرح شده با توجه به وضعیت موجود ارئه گردیده بود و با فراهم شدن زمینه تحقق احکام فقهی بایستی مورد تجدید نظر قرار می گرفت. از این رو فقه شیعه در بخش حقوق عمومی با توجه به شرایط خاص این عصر تحوّل چشم گیر داشته است و علاوه بر تجدید نظر در احکام قبلی مربوط به این حوزه با رویکردی جدید و نوآورانه با این مسأله روبرو شده است. پرسش بنیادین پایان نامه حاضر بر این محور که حقوق عمومی فقه شیعه در عصر صفوی چه تحولاتی داشته است، مبتنی است.

کلید واژه :

حقوق اداری، حقوق اساسی، حقوق عمومی، حقوق مالی، عصر صفوی، فقه سیاسی، محقق کرکی.

فهرست اجمالی

صفحه

عنوان

۱	مقدمه
۱۲	بخش اول : حقوق اساسی
۱۳	فصل اول : نظام حکومت صفویان (مبانی سیاسی و ساختار حقوقی)
۲۶	فصل دوم : رویکرد فقهی سیاسی (فقه عمومی) فقها در عصر صفوی
۸۲	بخش دوم : حقوق اداری، مالی و قضایی در عصر صفوی
۸۳	فصل اول : حقوق اداری عصر صفوی
۱۰۷	فصل دوم : حقوق مالی عصر صفوی
۱۲۵	فصل سوم : حقوق قضایی در عصر صفوی
۱۵۴	نتیجه گیری
۱۸۴	فهرست منابع
۱۹۱	فهرست تفصیلی

مقدمه

حقوق عمومی در دوران صفویه در نگاه اول شاید موضوعی غریب به نظر رسد، اما واقعیت آنست که بررسی آثار اندیشمندان به ویژه فقهای شیعه در این دوره حکایت از وجود تأملاتی بس بکر و شگرف در این خصوص دارد. تبیین اجمالی این موضوع در راستای نگارش پژوهشی دانشگاهی در رشته حقوق عمومی را در طی چند بحث کوتاه در همین مقدمه ارائه می کنیم.

۱- طرح مسأله

در فقه عمومی^۱ شیعه، حقوق عمومی و جایگاه آن در فقه و سیر تحولی آن در طول تاریخ فقه از جمله مباحثی است که مجال برای پرداختن به آن و تأمل بر آن بسیار است.

فقهای مسلمان در هیچ یک از تقسیم بندی های متعارف فقه و حقوق اسلامی مباحث حقوق خصوصی و حقوق عمومی را بطور خاص از یکدیگر جدا ننموده اند^۲ و لذا عملاً در فقه، اصطلاحی تحت عنوان فقه خصوصی و فقه عمومی و یا هر نوع تقسیم بندی که مسائل حقوق عمومی را از مباحث حقوق خصوصی جدا نماید بوجود نیامده است. از این رو مسائل فقهی را که تعریف حقوق عمومی بر آن ها صادق است، تحت عناوینی چون فقه عام (حقوق عمومی) آورده اند و از آنجایی که عمدتاً مباحث حقوق عمومی مسائل حکومتی، اداری و مالی است و هر سه عنوان به واسطه ارتباط با دولت جنبه سیاسی دارد از این مجموعه مباحث فقهی به فقه سیاسی یا حکومتی نیز تعبیر کرده اند^۳.

در یک بررسی تاریخی، تکوین و تأسیس حقوق عمومی در اسلام به عصر نزول قرآن و دوره زمامداری پیامبر اسلام و سنت آن حضرت در مقام ریاست دولت اسلامی باز می گردد و در این دوره خطوط کلی حقوق عمومی در فقه، بوسط وحی و سنت پیامبر تعیین شد. از آن پس حقوق عمومی در فقه تحولات و قرائز و متغیرهایی را به همراه داشته است.

سیری که فقه عمومی در باب مسائل حکومتی در آراء فقها داشته است، از دوره بعد از عبیت کبری و هم عصر با توأب اربعه تا عصر حاضر در چهار دوره زیر قابل تصور است:

الف. عصر فقهای متقدم و فخر فلسفه تأسیس دولت

این دوره مصادف است با قبل از حکومت صفویان و فقهای چون شیخ کلینی (- - ۳۲۹ق)، شیخ صدوق (۳۰۶ - ۳۸۱ق)، شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳)، سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶) را می توان در این دوره نام برد. از دیگر فقهای این عصر می توان به ابوصلاح حلبی (۳۷۴ - ۴۴۷ق) شاگرد سید مرتضی و شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق) که بعد از درگذشت او حوزه های علمیه دچار رکود شدند اشاره کرد. بعد از شیخ طوسی می توان از علامه حلی (۶۴۸ - ۷۲۶ق)، محمد ابن ادریس (۵۴۳ - ۵۹۸ق)، شهید اول (۷۲۴ - ۷۸۶ق) و فاضل مقداد (- - ۸۲۶ق) به عنوان فقهای دهه های آخر دوره متقدم نام برد.

این دوره، دوره برخورد عالمان شیعه با حکومت بغداد، پیش و پس از روی کار آمدن آل بویه است که مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری می باشد که می توان شاهد حضور برخی وزرای شیعه در دولت عباسی و حتی سلجوقی در قرن ششم و هفتم بود. همچنین برخورد عالمان شیعه با ایلخانان مغول از سقوط بغداد به بعد نیز در این دوره جای دارد..

ب. فقهای متأخر و مسأله دولت اسلامی

این دوره مصادف است با آغاز حکومت صفویان (۹۰۶ ه. ق) که تا انقراض صفوی (۱۱۴۸ ه. ق) ادامه دارد. فقهای چون محقق کرکی (۸۷۰-۹۴۰ ه. ق)، شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶ ه. ق)، میرداماد (۹۷۰-۱۰۴۱ ه. ق)، مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ ه. ق)، مقدس اردبیلی (-۹۳۳ ه. ق)، شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰ ه. ق) در این دوره قرار دارند. از جمله آفات عارض شده بر تفکر فقهای این دوره، حاکمیت تفکر خشک و افراطی و ضد تعقل اخباریگری حاکم بر حوزه‌های علمیه است که باعث گردید باب اجتهاد برای مدتی بسته گردد ولی با ظهور فقهای معاصر، این آفت رفع گردید. از جمله مشخصات بارز این عصر تأثیر فقها در تغییر شیوه حکومت توسط حکام است که موجب می‌شود از این دوره به عنوان «نقطه عطف تاریخی فقه سیاسی» یاد شود.

ج. فقهای عصر تحوّل در فقه عمومی شیعه

این دوره مصادف است با دوران پس از حکومت صفویان تا آغاز انقلاب اسلامی. فقهای چون وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۶ ه. ق)، مهدی بحر العلوم (سال تولد - وفات ه. ق)، نراقی (-۱۲۰۹ ه. ق)، محمد حسن نجفی معروف به صاحب جواهر (۱۲۰۰-۱۲۶۶ ه. ق)، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ ه. ق)، آخوند خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ه. ق) در این دوره قرار دارند. این دوره به عنوان درخشان ترین دوره در تاریخ فقه سیاسی و حکومتی است و دارای ویژگی های مهمی است از جمله:

- پیدایش نظم و انتظام مشخص در اداره حوزه های علمیه و فزونی یافتن تألیفات و گسترش ابعاد و دامنه آن، اعم از فقه حکومتی و غیره.

- افزایش تک نگاری ها در فقه حکومتی اسلام که قبل از این تاریخ در ضمن مباحثی مانند امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، قضا و... بیان می گردید.

- تمرکز نسبی مباحث فقه حکومتی از جمله بحث ولایت فقیه در آثار ملا محمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ه. ق) در عواید الایام^۵ و دیگر فقها.

- تأثیر و رهبری فقها بطور مستقیم در جریانات سیاسی و نظامی و ضد استعماری.

- انجام تحقیقات و مطالعات مقارن و تطبیقی در فقه اسلامی، حقوق سیاسی و اقتصادی رایج در جهان کنونی.

- مسأله مشروطه خواهی و....

د. فقهای عصر حاضر و رونق منطق حقوق عمومی در شیعه

این عصر مصادف است با انقلاب اسلامی و عصر جمهوری اسلامی. امام خمینی (ره) به عنوان مجدد و احیاگر فقه اسلامی بویژه در بعد حکومتی در این عصر مطرح می شود. ایشان اولین فقیهی هستند که زمینه تشکیل یک حکومت الهی را بعد از صدر اسلام فراهم آورده است و زمینه اجرای احکام فقهی اسلام خصوصاً فقه حکومتی را میسور گردانیده اند. ایشان علاوه بر بیان مبانی نظری فقه حکومتی و فقه سیاسی، در بعد عملی نیز یک الگوی بی نظیر در تاریخ فقه حکومتی می باشند.

در میان این دوره ها، عصر فقهای متأخر، بدلیل ویژگی های خاص خود از اهمیت ویژه ای برخوردار است. منظور از این دوره، دهه های آغازین قرن دهم یعنی روی کار آمدن دولت صفوی تا انقراض این دولت و روی کار آمدن سلسله زندیه و قاجاریه است. در این عصر شاهد رشد دیدگاه های شیعی و گسترش مسائلی هستیم که تحت عنوان فقه حکومتی (سیاسی) اسلام از آن یاد شده است. بدلیل شرایط سیاسی خاص این عصر، تحوّل عمده در فقه شیعه ایجاد گردید. چرا که تا این زمان، حکومت شیعی مستقلی وجود نداشت و حکومت های پیشین هم، نه دوام آوردند و نه همچون صفویان داعیه مشروعیت داشتند، لذا روی کار آمدن صفویان تحولات بنیادینی در جامعه ایران کرد. با گسترش تشیع در این عصر جامعه ایرانی علی رغم تفاوت های نژادی، فرهنگی و زبانی به جامعه ای تقریباً یکدست از نظر مذهبی مبدّل شد و مذهب به یکی از عوامل اساسی استقلال و وحدت ملی ایران تبدیل گردید. نفوذ آرمان ها و عناصر اعتقادی شیعه در فرهنگ ایران جامعه ای مذهبی به وجود آورد که قدرت های حاکم را و او می داشت جایگاه مذهب را در اقدامات خود در نظر گیرند. از سوی دیگر قدرت یافتن عالمان، گروه جدیدی را وارد عرصه سیاست کرد که بعد از نهاد سلطنت مهم ترین نهاد سیاسی محسوب می شد و بعدها نقش مهمی را در تحولات ایران بر عهده گرفت. همه این عوامل موجب گردید تا مباحث مربوط به فقه حکومتی وارد عرصه جدیدی شود و بوجه این دولت به شریعت اسلامی و مذهب شیعه نشاط جدیدی را در تقویت و رشد فقه و آثار فقهی پدیدار کرد. چرا که تا این زمان بسیاری از مسائل مربوط به حقوق عمومی در فقه شیعه به دلیل نبود شرایط لازم سیاسی - اجتماعی و حاکم بودن سلاطین جور و غیر شیعه، مجالی برای مطرح شدن پیدا نکرده بود و بسیاری از مسائل مطرح شده با بوجه به وضعیت موجود آرته گردیده بود و با فراهم شدن زمینه تحقق احکام فقهی بایستی مورد تجدید نظر قرار می گرفت.

۲- سؤال اصلی

نگارنده در این پژوهش با یک پرسش اصلی اما دویخشی روبروست: از یک سو به دنبال فهم این مسأله است (۱) که با توجه به ویژگی های خاص این عصر حقوق عمومی منبعث از فقه شیعه در عصر صفوی دچار چه تحولات عمده و نوینی گردیده و نسبت به این شرایط چه رویکرد جدیدی اتخاذ کرده است؟ و (۲) از سوی دیگر آیا متقابلاً می توان از تأثیر حقوق عمومی در عصر صفوی بر تطور فقه سیاسی یا حکومتی (فقه عمومی) شیعه سخن گفت؟

۳- سوالات فرعی

در عین حال پژوهش برخوردار از برخی پرسشهای حاشیه ای و فرعی است که در ذیل پاسخ به سوال اصلی از جوابهای مقتضی برخوردار خواهند شد: لذا سوالات دیگری که به دنبال مسأله اصلی در این پژوهش مطرح می شوند عبارتند از :

- فقه شیعه در حوزه حقوق اساسی با روی کارآمدن دولتی شیعی با ادعای مشروعیت دچار چه تحولات عمده ای گشته است ؟
- رویکرد فقها در فقه سیاسی نسبت به مسأله امامت و رهبری حکومت با توجه به شرایط جدید سیاسی در عصر صفوی چه بوده است ؟
- برخورد فقها با مسأله مشروعیت سلاطین صفوی چگونه بوده است ؟
- رویکرد فقه سیاسی شیعه نسبت به شرایط جدید در زمینه حقوق اداری چه بوده و آیا تحوّل در این زمینه مشاهده می شود ؟
- فقه شیعه در زمینه حقوق مالی با چه توسعه ای روبرو بوده است ؟
- فقه عمومی شیعه در زمینه حقوق قضایی چه رویکردی داشته است ؟
- تا چه میزان نظام اداری، مالی و قضایی عصر صفوی متأثر از اندیشه های فقهای عصر بوده است ؟

۴- فرضیه اصلی و فرضیه های رایج

با توجه به پرسشهای فوق نوع تحقیق اکتشافی بوده لذا نمی توان انتظار فرضیه ای خاص داشت در عین حال می توان بر طبق آراء رایج گفت که فقه شیعه در بخش حقوق عمومی با توجه به شرایط خاص این عصر تحوّل چشم گیر داشته است و علاوه بر تجدید نظر در احکام قبلی مربوط به این حوزه با رویکردی جدید و نوآورانه با این مسأله روبرو شده است. از جمله این مسائل، مسأله اقامه نماز جمعه و خراج است که حکم فقها درباره آن ها مورد تجدید نظر قرار گرفت. همچنین بحث پیرامون حدود کار فقیه، رابطه ی او با حکومت و دلیل مشروعیت حکومت، در این دوره آغاز شد و سایر مباحث مربوط به فقه حکومتی نیز با توجه به شرایط جدید مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفت. به عبارت دیگر بایستی بیان داشت که حقوق عمومی ایران تحت تأثیر تغییرات در فقه سیاسی شیعه دچار تغییر و تحوّل گردید به گونه ای که شناسایی تحولات فقه سیاسی شیعه، نقش بسزایی در شناسایی حقوق عمومی در این عصر دارد. لذا پس از تشکیل دولت صفوی، از یک سو ما شاهد توجه سلاطین صفوی به «مذهب تشیع و عملی کردن قواعد و احکام آن در عرصه حکومت» و «حضور فقهای شیعه در صحنه حکومت» هستیم و از سوی دیگر شاهد توجه فقها به این موقعیت ایجاد شده و پویایی فقه شیعه در زمینه حقوق عمومی هم در زمینه نظری و هم در زمینه عملی هستیم چرا که در این زمان فرصت مناسبی برای عملی کردن قواعد حقوق عمومی که تا کنون بیشتر جنبه نظری داشت ایجاد شده بود.

با توجه به آنچه بیان گردید، به نظر می‌رسد در این عصر از یک سو در فقه شیعه در سه حوزه حقوق اساسی، مالی و قضایی مسائل جدیدی با توجه به شرایط سیاسی جدید مطرح می‌شود و از سوی دیگر نظام حکومتی و مالی و قضایی دولت صفوی متأثر از تحولات فقه سیاسی در این عصر بوده است. بطور کلی از یک سو فقه شیعه تحت تأثیر شرایط جدید سیاسی متحول گردیده و از سوی دیگر حقوق عمومی در عصر صفوی به واسطه وقوع تحولات در فقه شیعه دچار تحول گشته است.

۵- هدف پژوهش

نویسنده در این پژوهش به دنبال آن است که ابتدائاً به بررسی تحولاتی که حقوق عمومی در فقه شیعه داشته است بپردازد و پس از آن به بررسی تحولات حقوق عمومی در عصر صفوی که در نتیجه تحولات فقه شیعه پدید آمده است، بپردازد. از این رو با بررسی آراء فقهای این عصر در زمینه مسائل مختلف حقوق عمومی علاوه بر معرفی ساختارهای حقوقی موجود در عصر صفوی به معرفی حقوق عمومی در فقه شیعه در عصر صفوی پرداخته خواهد شد.

۶- بررسی ادبیات موجود

واقعیت آنست که در خصوص حقوق عمومی در عصر صفوی بطور خاص مطالعه جدی صورت نپذیرفته است، اما بصورت پراکنده، در رابطه با مسأله فوق، با توجه به ویژگی خاص عصر صفوی که به آن‌ها اشاره گردید، محققان و اندیشمندان بسیاری به مسأله «رابطه دین و سیاست» و «نقش فقها در سیاست» و همچنین معرفی ساختارها و نظام اداری در این برهه زمانی پرداخته‌اند از اهم این آثار می‌توان به کتاب نظام ایالات در دوره صفویه^۶ اثر رهبرن اشاره کرد. این کتاب به معرفی نظام ایالات در عصر صفوی می‌پردازد و با معرفی ایالات ایران در عصر صفوی به معرفی تشکیلات سیاسی حاکم در ایالات نیز می‌پردازد. به طور کلی این کتاب منبع مناسبی در زمینه آشنایی با نظام ایالات در عصر صفوی می‌باشد اما از آنجایی که صرفاً بخشی از حقوق اداری عصر صفوی را مد نظر دارد، به عنوان مرجعی ناقص برای معرفی حقوق اداری عصر صفوی محسوب می‌شود.

اثر دیگری که در رابطه می‌توان به آن اشاره نمود کتاب نظام قضایی عصر صفوی نوشته ویلم فلور است.^۷ در این کتاب نویسنده به معرفی سازمان قضایی و ساختار آن در عصر صفوی می‌پردازد. این کتاب شامل اطلاعات جامعی از نظام و ساختار قضایی عصر صفوی است. اما این اثر از آن جایی که توسط یک نویسنده غربی به رشته تحریر درآمده است، صرفاً از اطلاعاتی که مستشرقین در سفرنامه‌ها و کتب خود در زمینه دوران حکومت صفویه آورده‌اند، استفاده کرده است. از این رو آنچه در این کتاب به وضوح مشاهده می‌شود ناآشنایی نویسنده نسبت به مفاهیم به کار گرفته شده در حقوق قضایی عصر صفوی است.

از دیگر آثار به تحریر درآمده در رابطه با نظام حقوقی در عصر صفوی کتاب حقوق اداری زمان صفویه است.^۸ در این کتاب نویسنده به معرفی ساختارهای اداری دولت صفوی می‌پردازد. این کتاب به نوعی تنظیم و تشریحی است از کتاب سازمان اداری حکومت صفوی تألیف مینورسکی می‌باشد. امتیاز این

کتاب در آن است که نسبت به سایر کتب مربوط به ساختار و نظام اداری عصر صفوی، از قلمی سلیس و روان در تحریر آن استفاده شده است و بسیاری از ابهاماتی را که در سایر کتب مربوطه وجود دارد، برطرف می کند.

از جمله آثار برجسته دیگری که در این رابطه به رشته تحریر درآمده است می توان به کتاب های دین و سیاست در عصر صفوی^۹ نوشته رسول جعفریان و علما و مشروعیت دولت صفوی^{۱۰} نوشته محمدعلی حسینی زاده اشاره نمود. این دو اثر به صورت برجسته و با دید سیاسی به مسأله رابطه دین و سیاست در عصر صفوی و رویکرد علما نسبت به مشروعیت دولت صفوی پرداخته اند.

همچنین مقالات بسیاری در رابطه با موضوع مورد بحث به رشته تحریر در آمده است. به عنوان مثال می توان به مقاله موضع واقع بینانه مقدس اردبیلی در مقابل پادشاهان صفوی^{۱۱} نوشته محمد صادق مزینانی اشاره نمود. در این مقاله نویسنده در صدد است تا موضع محقق اردبیلی را در برابر شاهان روشن کند و با پرداختن به دو پرسش مبنی بر اینکه انگیزه رسمیت شیعه از سوی شاهان صفوی چه بوده است و عالمان شیعه با شاهان صفوی چگونه برخورد کرده اند، به بحث پیرامون مسأله اصلی می پردازد. نویسنده در این مقاله در بحث از برخورد عالمان شیعه با علمای صفوی صرفاً به ذکر نمونه های تاریخی اکتفا نموده است و به جنبه های فقهی آن، تنها در معرفی شخصیت مقدس اردبیلی پرداخته است. از این رو از جامعیت کامل در این زمینه برخوردار نیست. اما در رابطه با رویکرد سیاسی مقدس اردبیلی شامل اطلاعات مفیدی می باشد.

منابع فکر و فقه سیاسی شیعه در دوره صفوی^{۱۲} دیگر مقاله ای است که در رابطه با این موضوع توسط رسول جعفریان نگاشته شده است. نویسنده در این مقاله با ارائه مقدمه ای درباره رویکرد فقه سیاسی شیعه در عصر صفوی به بررسی رساله های خراجیه نوشته شده در این عصر می پردازد. تحلیلی که نویسنده از وضعیت فقه سیاسی در عصر صفوی ارائه می دهد قابل توجه می باشد. از سوی دیگر اطلاعات مفیدی در زمینه رساله های خراجیه نوشته شده در عصر صفوی در اختیار خواننده می گذارد.

از دیگر مقالاتی که می توان در این زمینه نام برد، مقاله اندیشه ای نو در عرصه سیاست اسلام معاصر^{۱۳} نوشته آیت ا... عمید زنجانی است. نویسنده در این مقاله پیرامون بحث درباره نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره)، به بررسی اندیشه سیاسی ولایت فقیه در طول تاریخ فقه شیعه می پردازد و بیان می دارد که اندیشه سیاسی ولایت، کار ابداعی و نظر جدید نیست و در آثار فقهای گذشته از شیخ مفید تا عصر امام همواره در شکل های مختلف و به صورتهای گاه پررنگ و گاه کمرنگ در آثار فقها آمده است و علت نوساناتی که در تاریخ در زمینه پررنگ و کمرنگ شدن مسأله ولایت فقیه در آثار فقها دیده می شود تحولات سیاسی در عصر هر کدام از فقهای شیعه است که بر دیدگاههای فقهی آنان سایه می افکنده است.

همانگونه که مشاهده می شود در این آثار با توجه به جنبه های سیاسی و تاریخی به عصر صفوی نگریسته شده است و آثاری هم که رویکرد حقوقی به موضوع دارند دارای نگاه جامع و کلی نگری

نسبت به مسأله نیستند و به صورت جزئی به مسائل پرداخته اند و از دید حقوقی بویژه حقوق عمومی و تحولی که این شاخه از فقه در این عصر داشته است نگاهی به مسأله نشده است.

۷- روش و ابزار پژوهش

در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از یک روش اکتشافی در کنار رویکرد تاریخی-توصیفی، با ابزار تحلیل محتوا و با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست اول، به توصیف و بیان داده‌ها و اسناد معطوف به موضوع پرداخته شود و سپس با تحلیل و مقایسه داده‌ها و اسناد، نتیجه مطلوب و قابل قبول عرضه گردد.

۸- غایات و مشکلات

ناگفته نماند که نویسنده برای دست یابی به اطلاعات تاریخی در زمینه عصر صفوی، ناگزیر به رجوع به منابع دسته اول بوده است و در این راستا با مشکلاتی چون ثقیل و صعب بودن واژه‌ها و جملات و نامفهوم بودن متن این کتاب‌ها و ناخوانا بودن نسخ خطی روبرو بوده است. در زمینه برخی از کتب اصلی و مورد نیاز این پژوهش به دلیل نادر بودن این کتب نویسنده با مشکلاتی چون صرف وقت فراوان و مسافرت جهت استفاده از کتابخانه‌هایی که این کتب را در اختیار داشته‌اند روبرو بوده است. از سوی دیگر حجم سنگین منابع عربی مورد استفاده در این پژوهش، مستلزم صرف وقت فراوان جهت ترجمه و فهم مطالب مورد نیاز برای این پژوهش از سوی نویسنده بوده است.

۹- توضیح مفاهیم کلیدی

لازم است تا جهت پرهیز از اشتراکات لفظی مقصود خود از استخدام الفاظ معطوف به موضوع را در اینجا اندکی بسط دهیم:

۹-۱- حقوق عمومی

مسأله اصلی در این پژوهش، مبحث حقوق عمومی است. لذا لازم است پیش از وارد شدن به بحث اصلی مختصراً پیرامون حقوق عمومی و آنچه که نویسنده در این پژوهش به دنبال آن است پرداخته شود. در این بخش ابتدا به معرفی حقوق عمومی به عنوان یکی از شاخه‌های رشته حقوق پرداخته می‌شود و سپس از آنجایی که این پژوهش به بررسی حقوق عمومی در عصر صفوی با توجه به فقه شیعه می‌پردازد لازم است تا به بررسی جایگاه حقوق عمومی در فقه شیعه پرداخته شود.

۹-۱-۱- تعریف حقوق عمومی

حقوق عمومی، رشته‌ای حقوقی است که در آن به بحث و مذاقه و بررسی قواعد و مسائلی پرداخته می‌شود که با جامعه، اجتماعات متشکل بشری و خلاصه با دولت-کشور به معنای وسیع کلمه ارتباط می‌یابد. «حقوق عمومی علاوه بر دولت و حکومت و رژیم و سازمان‌های سیاسی، به مسائلی از

قبیل اداره عمومی، استخدام، روابط مالی و مالیاتی، قواعد حاکم بر روابط بین دول و امروزه بنا به تعبیر وسیع تری، حتی به حقوق کار و حقوق جزا و نظایر آن نیز می پردازد که از زوایای گوناگون، موضوعات آن ها با منافع عموم و جامعه اصطکاک حاصل می کند»^{۱۴}.

۹-۲- حقوق عمومی در فقه

۹-۲-۱- جایگاه حقوق عمومی در فقه

همانگونه که قبلاً ذکر گردید فقهای اسلام در هیچ کدام از تقسیم بندی های متعارف فقه و حقوق اسلامی مباحث حقوق خصوصی و حقوق عمومی را از یکدیگر جدا ننموده اند و در فقه اصطلاحی تحت عنوان فقه خصوصی و فقه عمومی و یا هر نوع تقسیم بندی که مسائل حقوق عمومی را از مباحث حقوق خصوصی جدا نماید به وجود نیاورده اند و تقسیم بندی مسائل فقه به خصوصی و عمومی را به کار نگرفته اند. از آنجا که تقسیم مباحث فقه تعبّدی و توقیفی نیست و در شریعت شیوه خاصی برای آن پیش بینی نشده است بی شک اگر تعاریف و حدود و مصادیق حقوق عمومی و حقوق خصوصی بدرستی روشن شود می توان برای دسته بندی مسائل فقهی مربوط به هر کدام از آن دو، قلمرو مشخصی را منظور و حتی تحت همین دو عنوان متداول در علم حقوق، یعنی حقوق عمومی فقه و حقوق خصوصی فقه مسائل مربوطه را مورد بررسی قرار داد. از این رو برخی از نویسندگان از مسائلی که تعریف حقوق عمومی بر آن ها صادق است تحت عنوان حقوق عمومی به عنوان فقه عام (حقوق عمومی) یاد کرده اند^{۱۵} و منظور ما در این تحقیق همین معنا از حقوق عمومی می باشد. در رابطه با روشن نمودن جایگاه فقه عمومی و یا حقوق عمومی در فقه بایستی این نکته را بیان کرد که احکام فقه شامل کلیه مسائلی است که در شریعت اسلام نسبت به افعال مکلفین مقرر شده است و این احکام و قواعد شامل چهار زیر مجموعه به قرار ذیل است.

آن سلسله احکامی که بالإصاله رابطه انسان و خدا را تنظیم می بخشد. (عبادات)

آن بخش از احکام که مربوط به تنظیم رابطه خلقی انسان با خویشان و افراد دیگر و جامعه است که هدف از آن خود سازی و استقرار ارزش ها در اخلاق و رفتار و اندیشه فرد و اجتماع است و به این بخش از احکام شرع اخلاقیات گفته می شود.

آن قسمت از احکام که به روابط اجتماعی مربوط می شوند و هدف از آن احکام تنظیم روابط اجتماعی و استقرار نظم، عدالت و حفظ منافع عمومی است مانند ابواب معاملات.

احکام مربوط به تنظیم روابط ملت ها که به وسیله مرزهای جغرافیایی و یا عقیدتی از یکدیگر جدا و به صورت تشکّل های متمایز و با حاکمیت های مستقل زندگی می کنند.

مباحث فقه عمومی به دو بخش سوم و چهارم در این تقسیم بندی مربوط می شود. در هر حال حقوق عمومی اگر در تعریف ابهام دارد اما در مصادیق آن اختلاف چندانی وجود ندارد و معمولاً در قلمرو حقوق داخلی به حوزه های حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالی، حقوق کار و حقوق جزای عمومی تقسیم می شود و اگر بخش خارجی حقوق عمومی را بر این بخش های پنجگانه حقوق

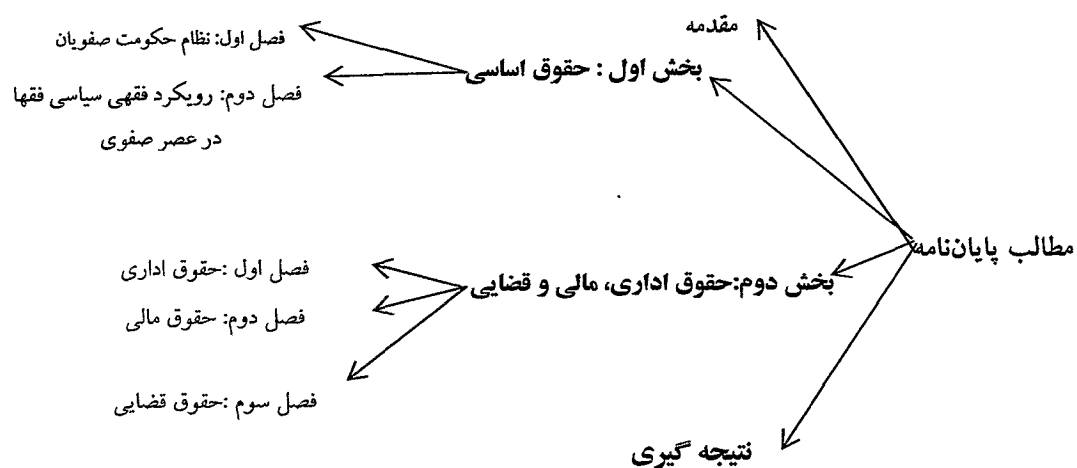
عمومی اضافه نماییم باید از حقوق بین الملل اسلام نیز نام برد. از آنجایی که این پژوهش، رویکردی فقهی به مسأله حقوق عمومی دارد، نگارنده در تقسیم بندی ها و بکارگیری مصادیق حقوق عمومی به تقسیم بندی های فقهی توجه خواهد داشت. از اینرو چند مسأله کلیدی که به مثابه عناصر اصلی در حقوق عمومی تلقی می گردند، احصاء و در عصر صفوی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از جمله این امور مسائل حقوق اساسی، اداری، مالی و قضایی که خود در بر گیرنده مسائلی چون حق حاکمیت، سلطنت و ولایت فقیه، مشروعیت حکومت، نهاد نظارت، نظام اداری، مالی و قضایی می باشند.^۶ البته، گرچه حقوق عمومی و شاخه های منشعب آن از جمله حقوق اساسی، اداری، مالی و قضایی مفاهیمی نو بنیاد هستند و در عصر صفوی چنین شاخه هایی از علم حقوق هنوز متولد نگردیده بود، ولی چونکه مفاهیم حاکم بر این رشته ها در نظام حقوقی حاکم در عصر صفوی مصداق پیدا می کند، در این پژوهش این عبارات در معنای مجازی خود به کار گرفته می شوند.

۱۰- سازمان بندی مطالب

این پژوهش مبتنی بر یک مقدمه و دو بخش می باشد. از آن جایی که حقوق اساسی در رشته حقوق عمومی برجستگی و اهمیت ویژه ای دارد و از آن جایی که عمده مباحث فقهی مورد توجه موضوع این پژوهش در این حوزه جای دارد، بخشی مستقل در این پژوهش به حقوق اساسی در عصر صفوی اختصاص داده شده است و حقوق اداری و مالی و قضایی عصر صفوی در بخش دیگر گنجانده شده است. بخش اول که به بررسی حقوق اساسی موجود در عصر صفوی می پردازد شامل دو فصل است. در فصل اول نظام حقوقی- سیاسی و مبانی حکومت صفویان مورد بررسی قرار می گیرد تا روشن شود که حکومت صفوی نسبت به حکومت های ماقبل خود دارای چه مشخصه ویژه ای می باشد. پس از روشن شدن تحولاتی که در نظام حکومتی صفویان نسبت به دوره های قبل ایجاد شده است، در فصل دوم رویکرد فقهی سیاسی فقها در عصر صفوی مورد بررسی قرار می گیرد. برای روشن نمودن جایگاه بحث تحول فقه سیاسی در عصر صفوی ابتدا به روشن نمودن جایگاه فقه سیاسی شیعه در دوره قبل از عصر صفوی پرداخته می شود و پس از آن با محوریت قرار دادن مسأله تعیین منشاء قدرت و حاکم اصلی که یکی از شاخصه ها و عوامل تعیین کننده حقوق اساسی است، به تحولاتی که اندیشه سیاسی شیعه در حوزه حقوق اساسی، با روی کار آمدن دولتی شیعی با ادعای مشروعیت پیدا کرده است پرداخته خواهد شد. در این فصل مسائلی چون رویکرد فقها نسبت به مسأله امامت و رهبری حکومت و ولایت فقیه در عصر غیبت، برخورد فقها با مسأله مشروعیت سلاطین صفوی مورد بررسی قرار می گیرد. سپس با روشن شدن مبانی و ساختار اندیشه شیعه در زمینه حقوق اساسی و بحث حق حاکمیت، در بخش بعدی که شامل سه فصل حقوق اداری، مالی و قضایی می باشد، به داخل سازمان حکومتی صفوی وارد می شویم تا بررسی نماییم نفوذ آراء و نظریات فقهای این عصر در حقوق اداری و مالی و قضایی این دوره تا به چه حدی بوده است و آیا فقها از بحث پیرامون مسائل کلی حاکمیت قدم فرانهاده و داخل در مقولات اجرایی حکومت نیز شده اند یا خیر؟

شمای کلی پایان نامه

بطور کلی شمای کلی سازماندهی مطالب این پایان نامه را می توان بدین صورت ترسیم کرد :



بخش اول : حقوق اساسی

بخش اول : حقوق اساسی

مقدمه

سلسله صفویه از سال ۹۰۶ ه. ق آغاز و تا سال ۱۱۴۸ ه. ق دوام یافت. صفویان مانند اسلاف خود بر اساس سیاست جنگ و استیلا، حکومت بر ایران را به دست آوردند، چنانکه وضعیت قبیله ای و چادر نشینی که در مورد اکثر سلسله های حاکم بر ایران تا دوران صفویه دیده می شود، در مورد این سلسله نیز صادق است. با وجود این، حکومت صفویه دارای ویژگی هایی است که موجب شده «این دوره به عنوان نخستین دوره شکل گیری حقوق اساسی در ایران به شمار می آید»^{۱۷}. با توجه به ویژگی های این عصر می توان مسائل حقوق اساسی یعنی مسائل مربوط به رابطه دولت و مردم و نهادهای دولتی با یکدیگر را در قالب نظام سیاسی حاکم در عصر صفوی مورد مطالعه قرار داد. بنابراین در این بخش در راستای روشن نمودن جایگاه حقوق اساسی در عصر صفوی به دو مسأله پرداخته خواهد شد. نخست مبانی و ساختار نظام صفوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به رویکرد فقهی سیاسی فقها در باب مسائل حکومتی پرداخته خواهد شد.

فصل اول : نظام حکومت صفویان (مبانی سیاسی و ساختار حقوقی)

در این فصل نویسنده به دنبال روشن نمودن این مسأله است که مبانی و بنیان های حکومت صفویه که موجب متمایز گردیدن این حکومت از سایر حکومت های قبل از خود می شود چیست ؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا به بررسی ویژگی های شاخص حکومت صفوی پرداخته خواهد شد و پس از آن نظام حکومت صفویان بر اساس معرفی اصول و مبانی ساختار و نظام حقوقی و سیاسی حاکم بر حکومت صفویه روشن خواهد گردید.

۱-۱- ویژگی ها و رویکردهای حکومت صفوی

حکومت صفویان دارای ویژگی ها و رویکردهایی بوده است که بررسی و روشن نمودن آن ها ما را در یافتن وجوه ممیزه این حکومت از سایر حکومت های ماقبل خود یاری می رساند. از این رو در ادامه مباحث به طور جداگانه ابتدا به بررسی ویژگی ها و سپس رویکردهای این حکومت پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۱- ویژگی ها

در ابتدا لازم است به بررسی ویژگی های شاخص و برجسته حکومت صفوی پرداخته شود تا روشن شود مبانی حکومت صفویان بر چه اساسی استوار است . ویژگی های اصلی حکومت صفوی عبارت است از:

۱-۱-۱-۱- رسمی کردن مذهب تشیع

نخستین ویژگی صفویه پایبندی آنها به مذهب تشیع و رسمی کردن مذهب تشیع در ایران است. از این رو لازم است با بیان تاریخ تشیع در ایران تا زمان صفویه، اهمیت و برجستگی این شاخصه در دولت صفوی نشان داده شود. « قرن هاست که سرزمین ایران به قلب تشیع دوازده امامی تبدیل گشته و بسیاری را به این اشتباه انداخته است که گویی از نخستین روزهای ورود اسلام به ایران، ایرانیان مذهب تشیع را انتخاب کردند. در حالی که آشنایی مختصر با تاریخ اسلام در ایران نشان می دهد که در آغاز، همه مذاهب اسلامی، برای خود جای پای در ایران داشتند و نه تنها سنیان و شیعیان، بلکه معتزلیان و خوارج و از مذاهب فقهی، حنفیان و شافعیان و اهل حدیث، هر کدام در شهر و دیاری، قدرتی به دست آوردند. در این میان شیعیان تدریجاً وضعیت بهتری یافتند، در حالی که خوارج که کّر و فرّ زیادی در جنوب ایران، در دو قرن نخست داشتند، به مرور و البته به طور کامل از میان رفتند».^{۱۸} بدین ترتیب روشن می شود که سابقه نفوذ و ورود تشیع در ایران به قرن اول هجری باز می گردد.

قرن چهارم و پنجم، دوران رشد شیعه در تمامی جهان اسلام و از جمله ایران بود. مهم ترین مناطقی که تشیع در آنها رشد کرد، عراق و شام و مغرب بود که تحت سلطه آل بویه، فاطمیان مصر و حمدانیان سوریه در آمد. آن زمان، تشیع در ایران هم، به دلیل فعالیت علمی شیعیان در بخش مرکزی اش و همچنین حمایت های آل بویه و وزرای آنان، پیشرفت هایی داشت. سقوط فاطمیان، برافتادن حمدانیان و روی کار آمدن دولت های افراطی سنی از قبیل ایوبیان و سپس ممالیک و در نهایت عثمانی، سرنوشت تشیع را در بلاد عرب، با مشکل روبرو کرد. این در حالی بود که شانس موفقیت تشیع در آن نواحی، اگر بیش از ایران نبود قطعاً کمتر از آن نبود. آخرین باقی مانده جامعه شیعه در حلب، توسط دولت عثمانی به شدت سرکوب شد و البته این دولت نتوانست تشیع را از بلبلک و جنوب لبنان از میان ببرد، چنان که نتوانست علویان آناتولی را قلع و قمع کند. طی دورانی که تشیع در شام و زیر فشار ممالیک بود، تشیع در ایران به آرامی رشد کرد. آن زمان، مانع مهم رشد تشیع که همزمان عامل ترقی آن هم بود و این امری شگفت است، فراگیر شدن تصوف بود. تصوف، مذاهب اسلامی را خنثی می کرد. به همین دلیل هم تسنن را خنثی کرد و هم تشیع را از فعالیت چشمگیر بازداشت. در این وقت، خلافت سنی هم از میان رفته بود گرچه در این اواخر، وجود آن هم مانعی برای رشد تشیع نبود.

اما از همه مهمتر آن که این زمان مهم ترین حامی تشیع ایران، تشیع حله و عراق بود که روی ایران تأثیر می گذاشت. مکتب حله برای دو قرن پیاپی بر تشیع ایران تأثیر گذاشت. در همین مدت پیدایش نحله های صوفی - سیاسی - شیعی سرداران، مرعشیان و مشعشعیان به تدریج زمینه هایی را برای برآمدن خانقاهی شیعی فراهم ساخت. دویست سال طول کشید تا خانقاه شیخ صفی، یکی از همان نحله های صوفی - سیاسی بتواند از مرز تصوف عبور کند و به تشیع امامی وارد گردد. این اتفاقی بود که در سال های پایانی قرن نهم هجری رخ داد. آن هم زمانی که علایق شیعی، تقریباً در بیشتر مناطق مرکزی ایران، جاگیر شده بود. تشیع دولت قراقویونلو که از بغداد تا تبریز و از آن جا تا اصفهان حکومت می کرد، توجیه طلوع و ظهور دولت صفوی در مرحله بعدی بود.

در نهایت دولت صفوی در سال ۹۰۶ ه. ق تشکیل شد و تشیع امامی، پس از یک هزار سال سرکوب و تقیه، توانست دولت مطلوب خود را بدست آورد. شادمانی ناشی از تشکیل این دولت، در بسیاری از متون تاریخی دوره صفوی کاملاً مشهود است.^{۱۹}

پافشاری سلسله سلاطین صفویه در حمایت از عقاید، مراسم، شعائر و مقدمات تشیع در تاریخ سیاسی حکومتی ایران بی نظیر است. اگرچه این روش ابتدا به صورت عامیانه و صوفیانه بود ولی به مرور زمان با ورود تشیع فقهاتی به درون حکومت صفویه، رنگ و بوی فقهی به خود گرفت. « برخی از محققان بر این عقیده اند که چون تصوف برای اداره حکومت بکار نمی آمد و رابطه مرید و مرادی برای کشورداری کارایی لازم را نداشت و از طرفی مشروعیت مذهب تسنن از میان رفته و برای اداره کشور به ایدئولوژی منسجمی نیاز بود، صفویه هرچه بیشتر به سمت تشیع و فقه شیعی کشیده شدند. از این رو سقوط خلیفه در بغداد و وجود فرقه های صوفیه که حد فاصل شیعه و سنی بودند مانند بکتاشیه،